



بخش بیست و سوم

خوشبختانه مبلغی پول در گوشه صندوق باقیمانده بود که آن را با عکس‌های خودم برداشته و به کوت‌شیخ رفتم. از کوت‌شیخ یا بلم به‌طرف دیگر رودخانه روان شدم. به منزل هر یک از رفقا مراجعه می‌کردم کسی را نمی‌یافتم. بالاخره به منزل «ناو سروان ناصری» رفتم. پس از چند دقیقه داخل شدم. عده‌ای از افسران، از جمله ناصری، اعصابم، دکتر رفیعی، میصر و مشکین‌نفس، در آنجا جمع بودند. «ناو سروان زند» هم به آنجا آمد. آن روز را در آنجا گذراندیم. «زند» و «مشکین‌نفس» بعدازظهر خارج شدند و گویا به منزل برادر «زند» رفتند.

آن شب تا صبح تمام افسران بیدار مانده و منتظر بروز حوادث تازه‌ای بودند. روز بعد آقای خلی خلی ناظم اداره پست و تلگراف به آنجا آمد و گفت که رابطه با تهران به‌کلی قطع و فقط یک نفر از کارمندان اداره پست که از مرخصی بازگشته می‌گوید وضعیت تهران معشوش [است] و کسی به کسی نیست. این خبر بیشتر باعث نگرانی ما شد. عصر آن روز «دکتر بصیر» آمد و گفت «ناخدا نقدی» به بیمارستان شرکت نفت برده شد و از جالش خبر تازه‌ای ندارم. ساعت یک بعدازظهر رادیو تهران را گرفتیم و انتظار داشتیم به‌وسیلهٔ رادیو دستورانی به افسران و افراد داده شود؛ ولی در این مورد مطلبی اظهار نکردید. رادیو دهلی را گرفتیم و از آنجا شنیدیم که چه حوادث شومی رخ داده و با چه سرعتی نیروهای مهاجم از شمال و جنوب پیشروی می‌کنند. در پایان اخبار رادیو دهلی اعلام کرد که آخرین خبر حاکی از ترک مخاصمه و تغییر کابینه و بر روی کار آمدن فروغی است.

این خبر تا اندازه‌ای وضعیت را روشن ساخت و تکلیف عده‌ای را معین کرد. منن از منزل «ناصری» خارج‌شده و به منزل «رافت» رفتم تا شاید بتوانم از احوالات سایر رفقا باخبر شوم. در آنجا عده دیگری از رفقا (نورینخش، سراج، افشنگ) جمع بودند. تعدادی از افراد مسلح انگلیسی برای جلب کلاستر مرز به منزل او رفته و او را دستگیر نمودند. یکی از افسران [به نام] «ناویان بهزادی» را که به علت اصابت تکه آهنی که هنگام انفجار گلوله تویی به پهلوش خورده و مجروحش کرده بود، برای پانسمان نزد دکتر بصیر بردیم. در آنجا با کمال تأسّف اطلاع یافتیم که «ناخدا نقدی» در بیمارستان شرکت نفت در گذشته است.

این افسر شریف [ناخدا نقدی]، وقتی با شنیدن صدای توپ می‌خواهد برای انجام وظیفه از خانه خارج شود، همسرش به او می‌گوید که تو پدر دو طفل؛ یکی در شکم مادر و دیگری در مقابلت هستی. ما را به که می‌سپاری؟

پاسخ می‌دهد که خانم عزیز! من که رئیس ستاد دو کودک خود نیستم. من رئیس ستاد نیروی دریایی هستم که هم‌اکنون زیر آتش گلوله‌های مهاجمان مشغول مبارزه هستم. با این کلمات با همسر خود وداع می‌کند و سرانجام به شهادت می‌رسد.

روز هفتم شه‌ریور آقای خلی خلی اطلاع داد که ارتباط تلگرافی با تهران دایر شده است. از اهواز هیچ‌گونه اطلاعی نداریم و نمی‌دانیم بر سر رفا و هم‌قطاران ما در بندر شاهپور چه آمده و به چه سرنوشتی دچار شده‌اند.

چند روز بعد در پاسخ تلگرام‌های متعددی که به مرکز مخابره کرده بودیم، تلگرامی دریافت کردیم که در آن گفته بودند برای ترتیب کار افسران و درجه‌داران نیروی دریایی سرهنگ امین و ناوسروان شیروانی به خرم‌شهر می‌آیند.

چون «ناویان بهزادی» به علت جراحت پهلو سخت ناراحت بود؛ بنابراین، با موافقت رفقا قرار شد من با او به اهواز بروم.

روز ۱۶ شهریور با بهزادی به اهواز آمدم و خود را به لشکر خوزستان معرفی کردیم. در اهواز «ناویان آهنین» و «ناویان عظیما» را دیدیم که به عده زیادی از افراد نیروی دریایی و مقدار قابل توجهی اسلحه و مهمات پیاده از خرم‌شهر عقب‌نشینی کرده و به لشکر خوزستان پیوسته بودند.

در اهواز شنیدیم که «ناو سروان دهتازبانی» در راه مراجعت به خرم‌شهر – با خاتمش از مرخصی تهران مراجعت می‌کرد– گرفتار نیروهای انگلیسی شده و شدیداً مجروح گردیده و در بیمارستان بصره بستری است...

ادامه دارد...



این طرح، شنیده شده است. مسائل دیگر درباره سرمایه‌گذار این طرح و نحوه واگذاری آن نیز جزو حاشیه‌های آن بوده که مخالفت بخشی از جامعه محلی را به‌همراه داشته است. این بار، اما برای بخشی از جامعه محلی و بسیاری از گردشگران جزیره قشم این امیدواری ایجاد شده تا طلسم کمبود فضای تفریحی ساحلی ویژه بانوان در بزرگ‌ترین جزیره خلیج فارس شکسته شود. با این حال برخی زمزمه‌های غیررسمی درباره شیوه واگذاری و آینده احداث و اجرای این پروژه، نگرانی‌هایی را نیز از سوی جامعه محلی به همراه داشته است.

ورد شورای تامین به پلاژ بانوان

با اعلام قبلی که از سوی سازمان منطقه آزاد قشم درخصوص آغاز عملیات اجرایی ساخت تفریحگاه ساحلی بانوان در جزیره قشم در تاریخ پنجشنبه دوم اسفندماه صورت گرفته بود؛ عده‌ای از ساکنان جزیره قشم که نگرانی‌هایی درباره احداث این تفریحگاه داشتند، برای بیان اعتراض خود در محل کلنگ‌زنی حضور یافتند. در واکنش به این اعتراضات و حضور مردم، عادل پیغامی، رئیس هیات‌مدیره و مدیرعامل سازمان منطقه آزاد قشم و ادریس راموز، معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری این سازمان به همراهی جمعی از مدیران در بین معترضان حضور پیدا کردند و به گفت‌وگو با آن‌ها پرداختند و به دلخده‌های مطرح‌شده از سوی مردم پاسخ دادند.

در این میان روابط عمومی سازمان منطقه آزاد قشم در خبری که روی خروجی خود در شبکه‌های اجتماعی انتشار داده، اعلام



مدت‌هاست که تبدیل به رویه برخی سازمان‌ها، نهادها و دستگاه‌ها شده است. این در حالی است که برخی فعالان اجتماعی در جزیره قشم معتقدند که شاید اگر کمی شفافیت در فرآیند اجرای چنین پروژه‌هایی در دستور کار مسئولان محلی و بازوی رسانه‌ای سازمان‌ها و دستگاه‌های مربوطه قرار می‌گرفت، شاهد ایجاد چنین نگرانی‌هایی برای جامعه محلی جزیره قشم نبودیم.

معضل عدم اقتناع جامعه محلی و افکار عمومی

براساس گزارش‌های منتشر شده جزیره قشم سالانه میزبان میلیون‌ها گردشگر است، با این وجود در تمام سال‌های گذشته نوانسته یک پلاژ مناسب برای تفریحات ساحلی بانوان برای ترویج گردشگری با رعایت شئونات و ارزش‌های اجتماعی داشته باشد. در چند دهه اخیر، احداث پلاژ بانوان همواره با اعتراضات جامعه محلی روبه‌رو بوده است. از یک سو موضوع مکان‌یابی مناسب برای این پروژه همواره با علامت سوال از سوی کارشناسان و جامعه محلی همراه بوده و از طرف دیگر در

«روزنامه دریایی سرآمد» گزارش می‌دهد؛

واگذاری سواحل قشم خروش بیم یا امید

ساخت تفریحگاه ساحلی بانوان قشم در محک اعتماد عمومی

برخی موارد ملاحظات زیست‌محیطی مورد در نظر گرفته نشده است. اما مهمترین چالش پیش روی عدم اجرای پروژه احداث تفریحگاه ساحلی ویژه بانوان در جزیره قشم هموارد عدم اقتناع افکار عمومی و جامعه محلی درباره این موضوع است. بررسی کارنامه عملکرد سازمان منطقه آزاد قشم در واگذاری سواحل و اراضی جزیره طی سال‌های اخیر همواره با شائبه، اخبار غیررسمی و زمزمه‌های غیرشفاف همراه بوده است. در طول سال‌های گذشته همیشه شنیده شده است که عده واگذاری‌های انجام‌شده از سوی منطقه آزاد برای تأمین هزینه‌های جاری صورت گرفته و این موضوع در عمل موجب بدگمانی و عدم اعتماد مردم نسبت به این اقدامات شده است...

حقیقت این است که جزیره قشم بقطعا نیازمند یک تفریحگاه ساحلی و دریایی ویژه بانوان است تا گردشگران و ساکنان بتوانند از امکانات آن بهره‌مند شوند. با چنین نگاهی است که می‌توان گفت که مخالفت‌های کلی با اجرایی شدن این پروژه و سایر پروژه‌های مشابه بدون در نظر گرفتن نیازهای گردشگری جزیره، منطقی نیست و اگر مخالفان دلیل منطقی برای آن ارائه نکنند، محلی از اعراب نخواهد داشت.

اجرایی شدن پروژه‌هایی مانند احداث پلاژ بانوان بویژه در سواحل به عنوان عمومی‌ترین بخش‌های موجود در زمین‌های جزیره قشم، همواره با حساسیت افکار عمومی کشور و واکنش جامعه محلی ساکنان جزیره همراه بوده است. در این میان سوالی که مطرح می‌شود درباره شیوه اجرای آن توسط سازمان منطقه آزاد قشم است. نبود اطلاع‌رسانی شفاف درباره پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی طرح‌های مختلف اقتصادی و گردشگری یکی از موضوعاتی است که به ایجان نگرانی بیشتر کمک می‌کند. در چنین شرایطی است که فعالیت رسانه‌ها اهمیت پیدا می‌کند. بی‌توجهی به کارکرد رسانه‌ها یا عدم باور به تأثیرگذاری رسانه‌ها – رسانه‌های محلی و سراسری – موضوعی است که می‌تواند چالش‌های بیشتری به همراه داشته باشد.

حضور در جلساتی با معتمدین، شیوخ، نمایندگان مردم در شوراهای روستاها و دهیاری‌ها و آگاه‌سازی آنها درباره برخی پروژه‌ها موضوعی است که در سنوات گذشته همواره بعد از بالا گرفتن اعتراضات مردمی در دستور کار قرار می‌گیرد و به نظر می‌رسد چنین موضوعی دیگر از سیاست‌های ارتباطات مردمی خارج شده است. به عبارت دیگر ضرورت پاسخگویی به افکار عمومی تنها زمانی احساس می‌شود که صدای اعتراض آنها بلند شده باشد. از طرف دیگر باید گفت که گفتگو با معترضان ضروری است، اما کافی نیست. نگاهی که طی سال‌ها از عملکرد مجموعه‌ای مانند سازمان منطقه آزاد قشم نزد مردم در مورد واگذاری زمین و اجرای پروژه‌های عمرانی، شکل گرفته به

سادگی قابل چشم‌پوشی نیست. حقیقت این است که سرمایه اجتماعی سازمان منطقه آزاد قشم با یک بحران جدی مواجه است و ساکنان جزیره نگران آینده هستند. به نظر می‌رسد که نظرخواهی از جامعه محلی در پروژه‌های سازمان موضوعی است که در سنوات اخیر دیگر مانند گذشته مورد توجه نیست. دلخده‌های مردم محلی درباره عملکرد سازمان منطقه آزاد قشم و بویژه با تجربیات گذشته باعث ایجاد بدبینی شده‌است تا جایی که بخشی از ساکنان جزیره احساس می‌کنند که منافعشان قربانی توسعه دستوری و منافع اقتصادی سازمان می‌شود.

عدم شفافیت، نبود سیاست‌گذاری مشخص در حوزه اطلاع‌رسانی برای معرفی پروژه‌ها، طرح‌ها و آگاهی مردم پیوست‌های اجتماعی و فرهنگی و نبود اطلاعات کافی در حوزه حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی موضوعاتی هستند که در عمل موجب ایجاد مخالفت از سوی مردم می‌شود. عملکرد یک‌سویه برای اجرای پروژه‌های طراحی و پیش‌بینی نشده بدون رعایت ضرورت ایجاد همسویی جامعه محلی به نوعی نشان‌دهنده نوعی تصویر توسعه دستوری با نگاه بالا به پایین از سوی سازمان منطقه آزاد قشم است که در عمل موجب از میان رفتن سرمایه اجتماعی و تشدید بی‌اعتمادی خواهد شد. مردم مالکان اصلی گوشه گوشه ایران هستند و هیچ توسعه‌ای بدون حضور و مشارکت مردم پایدار نخواهد بود.

بدون شرح

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریداعیزی - اقتصاد سرآمد